

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۰۲ نومبر ۲۰۲۲

خیزش بزرگ توده ها و رسالت طبقه کارگر!

بیش از سه هفته است که توده های ستم دیده ما در همه استان های کشور و در ده ها شهر به خیابان ها آمده و سلطه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را به چالش کشیده، با نیروهای سرکوبگر و جنایتکار درگیر شده و هر کجا توانسته اند مراکز سرکوب جمهوری اسلامی را مورد یورش قرار داده و به آتش کشیده اند. خیزش بزرگ توده های ستم دیده که دانشجویان مبارز در اعتراضاتشان در همبستگی با این مبارزات فریاد می زنند "بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب" به واقع انقلابی است که طی آن در مصاف بین نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، ایران به صحنه یک جنگ داخلی خونین تبدیل شده است.

در این جنگ خونین در یک سو کارگران و ستم دیدگان و زنان و جوانان قرار دارند که سلاحشان سنگ و کوکتل مولوتف همراه با جسارت و اراده پولادین می باشد و در سوی دیگر گلهای از ارذل و اوباش حکومتی که به مدرن ترین سلاح ها مسلح بوده و برای سرکوب این جنبش بزرگ تاکنون از هیچ جنایتی دریغ نورزیده اند. از شلیک گلوله های ساچمه ای گرفته تا پرتاب گاز اشک آور و از لت و پار کردن جوانان انقلابی در زیر باتوم گرفته تا دستگیری معترضین و اعمال شکنجه بر آنها در همان خیابان و در جلوی چشم همگان و بالاخره شلیک گلوله های جنگی و کشتار مردم، تماماً اعمال ضد انقلابی هستند که نیروهای مسلح وحشی علیه توده های به پا خاسته انجام می دهند.

واقعیت این است که کارگران و همین طور دیگر قشرهای فرودست همچون همه خیزش های قبلی به صورت فردی و وسیعاً در جنبش انقلابی جاری شرکت دارند. این نمایانگر آن است که به دلیل فقدان تشکلهای مستقل کارگری و سازمان کمونیستی در پیوند با کارگران، صفوف این طبقه پراکنده بوده و این طبقه هنوز نتوانسته است به صورت سازمان یافته و با پرچم خود در این جنبش حضور یابد. اما فقدان یک تشکیلات انقلابی که بیانگر خواست کارگران و نزدیکترین متحد آنها باشد به دشمنان مردم امکان می دهد تا با اتکا به فریبکارانه ترین شیوه ها با زنانه جلوه دادن این انقلاب زمینه های عینی طبقاتی و مطالبات کارگران و ستم دیدگان را به حاشیه رانده و شرایط را برای جدایی انداختن بین صفوف معترضین آماده سازند. در حالی که هر کارگر آگاهی می داند که انقلاب کار تمامی توده ها است و نمی توان با تکیه بر جنسیت آن را تقسیم بندی کرد.

در مورد زنان نیز که تحت سلطه رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی ستم های بی شمار و طاقت فرسا بر آنان اعمال می شود، واقعیت این است که رهایی از ستم و دستیابی به آزادی برای زنان ایران در گرو نابودی سیستم سرمایه داری

وابسته حاکم بر کشور می‌باشد و تساوی حقوق زن و مرد و کارگر زن با کارگر مرد تنها هنگامی امکان تحقق پیدا می‌کند که طبقه کارگر چه زن و چه مرد بتوانند متشکل شده و نظم سرمایه‌داری ظالمانه حاکم را در هم شکنند. تجربه همچنین نشان داده است که با توجه به ساخت اقتصادی حاکم بر جامعه ما، بدون رهبری طبقه کارگر، شورش گرسنگان و خیزش‌های توده‌ای قادر به دستیابی به همه اهداف خود نیستند. بنابراین ضروری است که کارگران پیشرو با تلاشی مضاعف، دیگر کارگران را هر چه بیشتر به اعلام همبستگی با این خیزش دعوت کرده و به ویژه خواست‌های اقتصادی و طبقاتی خود را به صورت کاملاً مشخص بیان بکنند. اهمیت این امر در آن است که دشمنان ما چه در خود ایران و چه در خارج می‌کوشند با طرح شعارهای کلی و بی محتوا همه ستم‌دیدگان را زیر چتر خود گرفته و خواست‌های واقعی کارگران و دیگر ستم‌دیدگان جامعه را لاپوشانی کنند. همچنین کارگران پیشرو باید از شکاف‌هایی که بر اثر این مبارزات در این‌جا و آن‌جا در دیکتاتوری حاکم پیش می‌آید برای سازمان دادن صفوف خود سود جویند. کارگران پیشرو باید بدانند که همان‌طور که سرنوشت انقلاب کنونی به توانایی آنها در اعمال رهبری‌شان وابسته است تداوم این انقلاب و تضعیف هر چه بیشتر دیکتاتوری حاکم نیز در سرنوشت آنها نقشی بزرگ ایفا می‌کند. بنابراین باید همراه با روشن‌فکران انقلابی با شکل دادن به هسته‌ها و گروه‌های سیاسی-نظامی سلطه دیکتاتوری حاکم و نیروهای ددمنش سرکوبگرش را آماج حملات خود قرار بدهند تا شرایط هر چه بیشتر برای سازماندهی کارگران و پشتیبانی از خیزش توده‌ها مهیا گردد.